



Translate Luna
Clean Luna
Type Robin



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai





I Choose the Emperor Ending

I Choose the Emperor Ending

Story : KIM SUO

Art : jaradog

Ep 58

©DAONCOMIX

باید بفهمم
دقیقا چه بلایی سر
قلعه اومده!



آه، ولی ما نمیدونیم
کی ممکنه لرد از خواب
بیدار شه...

نترس بابا!

من قبل از اینکه
پیام اینجا خروجی رو
مسدود کردم!



پیییییی؟!!

لرد رو اونجا
زندانی کرده؟!!

تولو خدا کین.



دور و بر قلعه رو
بهم نشون بده!



... یه ثانیه اینجا
منتظر می مونی؟

قبل از اینکه
راهنماییت کنم باید یه
چیزی برات بیارم.



?

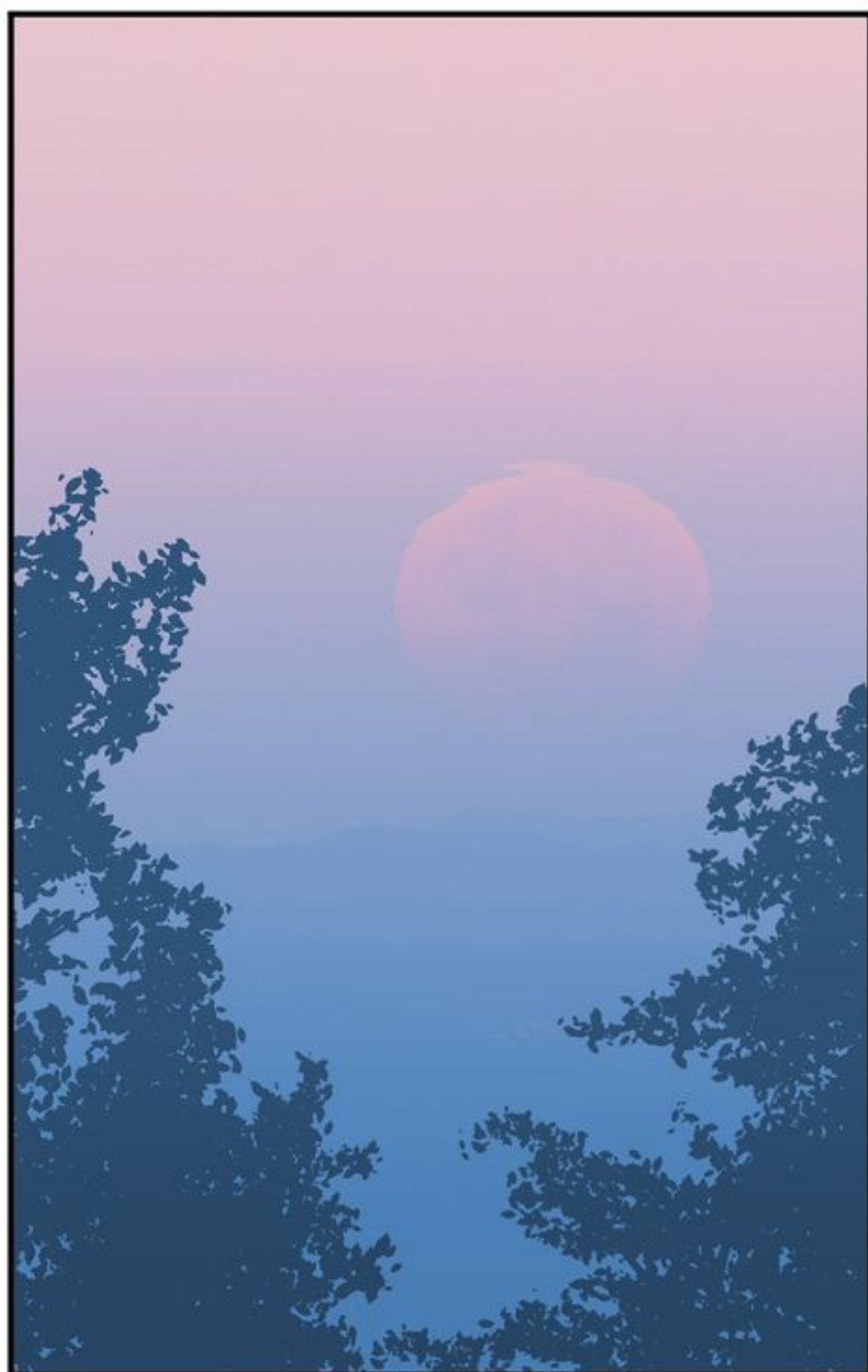
باشه! مرسی!

باید همین جا صبر
کنی! حتی یه سانت هم
تکون نخور! افتاد؟



گفتم نگران نباش!
همین جام~

من چه
غلطی کردم؟





دم صبح هوا خنکه.
اینو محکم دور
خودت پیچ.

...

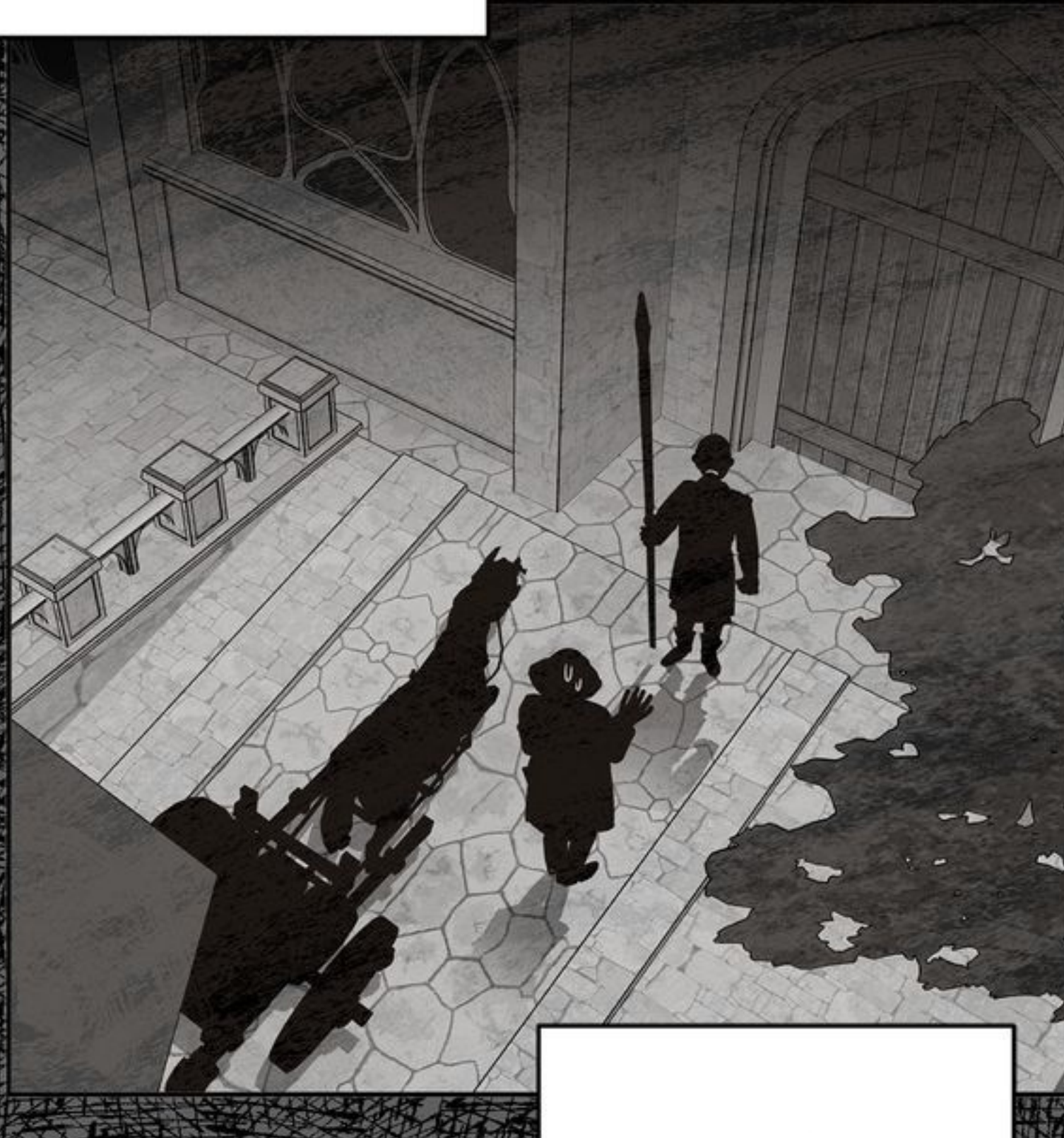
پس تو به من
مشکوک نیستی...

بیخشید؟

... هیچی!



اول، اون
جلوی هر تاجر و
بازرگانی رو...



... برای ورود
به منطقه گرفت.

طولی نکشید که
هر مسیری برای تامین
آذوقه منطقه ما...



... کاملاً بسته شد.

و بعد، محاصره
واقعی شروع شد...



لرد ما هرکاری
از دستش برمی‌اومد
انجام داد.



از قلعه دفاع کرد،
و انبارها رو باز کرد تا
شخصاً از مردمش
مراقبت کنه.

اما...



یه جاسوس...!
چرا بهمون خیانت کردی،
هانس؟!

چون هیچ امیدی
نیست!



حتی اگه مقابل
امپراطور مقاومت کنیم،
هیچ راهی نیست که
زنده بمونیم!

کار خاندان
دیهاس تمومه!!



پس ...
دلیلش اینه...



که "روی تاریک"
ادوارد آشکار شد.





چی؟

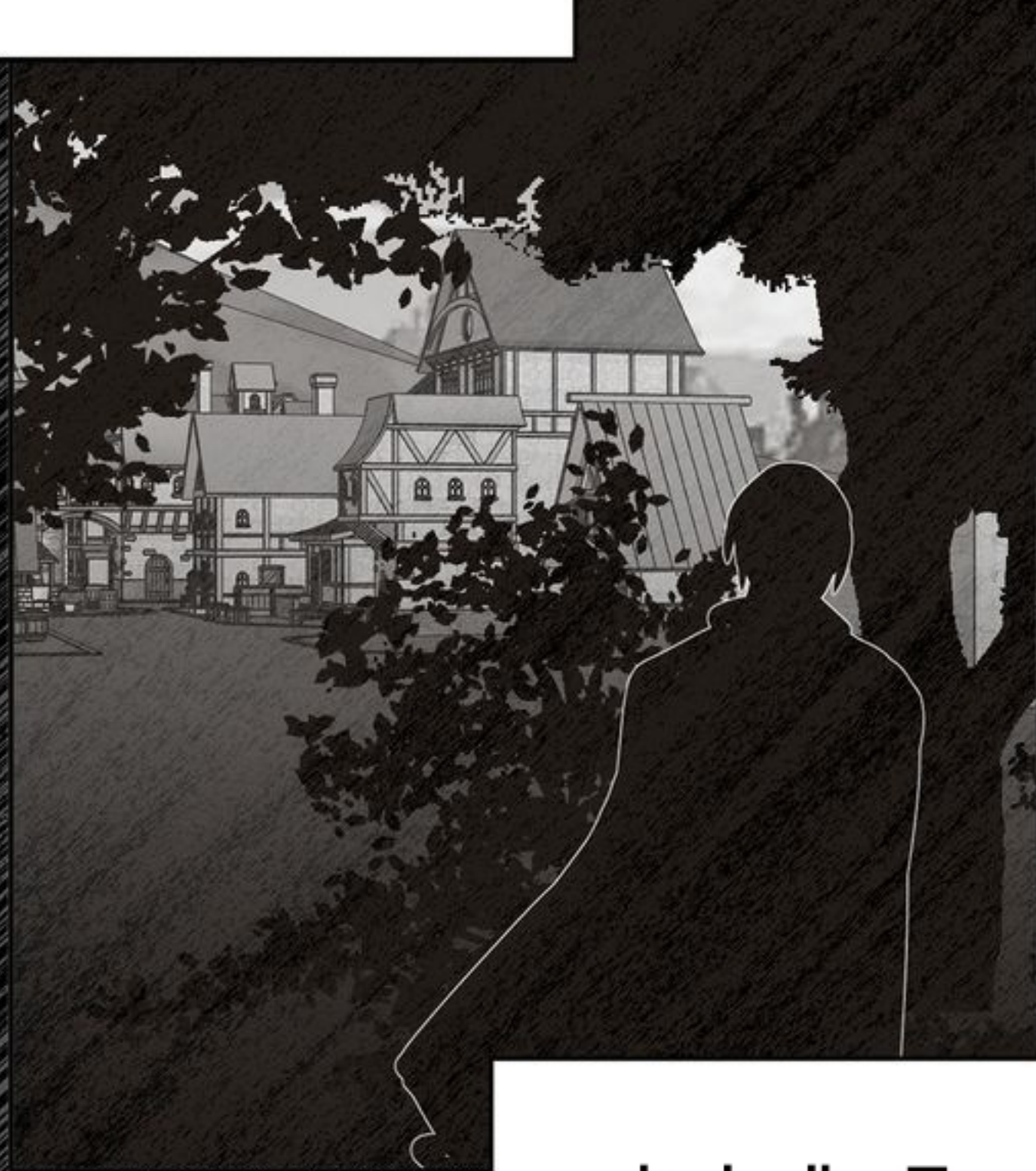


"روی تاریک."

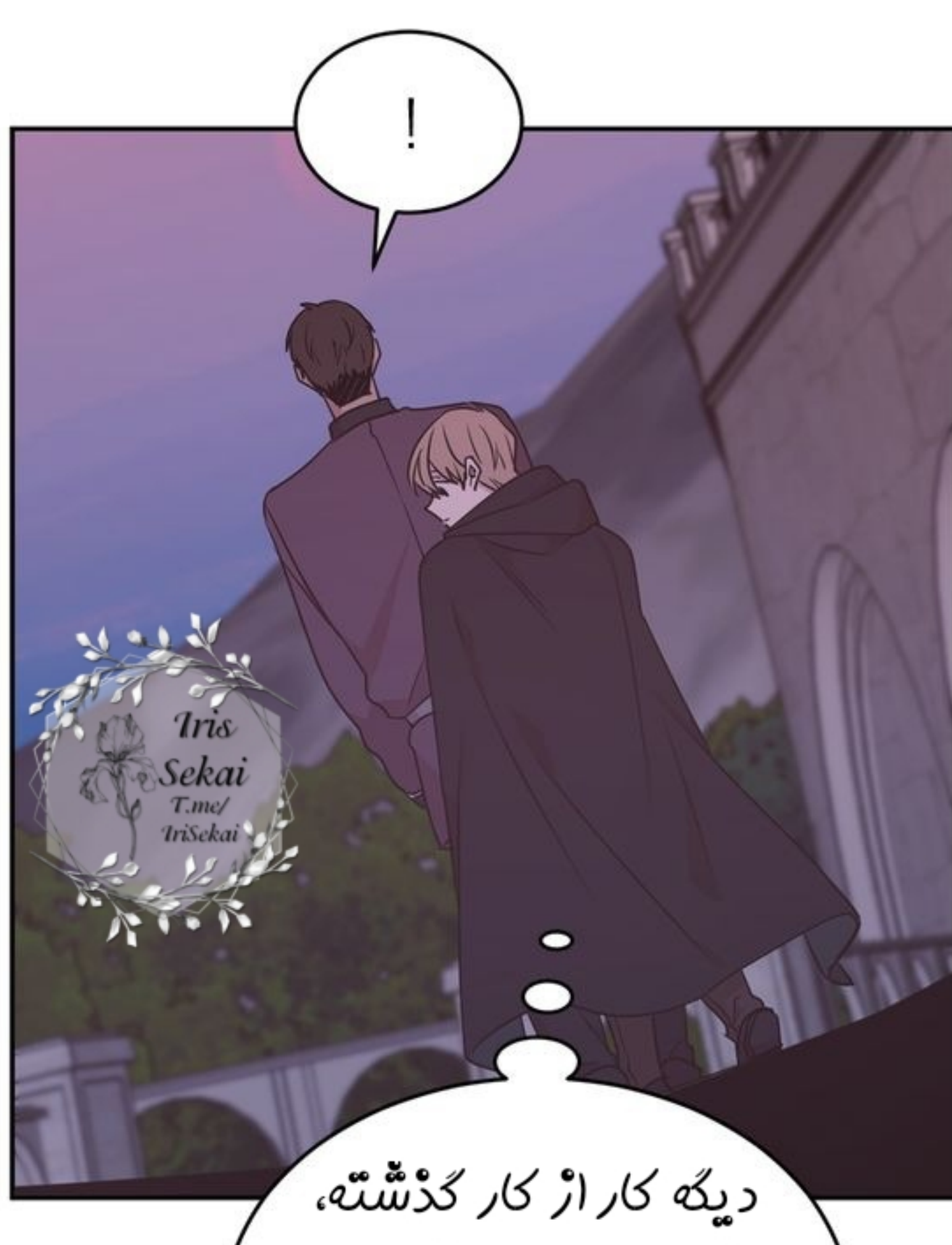
این اسمیه که من
روی "مود افسارگسیخته"
ادوارد گذاشتم...

... بعد از اینکه
توی رمان، قلعه دیهاس
قتل عام شد.

توی این مدت،
ادوارد نمی‌تونست به
کسی اعتماد کنه،



و عکس‌العمل‌های
پرخاشگرانه و پرتنش
نشون می‌داد.



دیگه کار از کار گذشته،
ولی محدس می‌زنم داره
خط اصلی ناول رو دنبال
می‌کنه...؟

ساکت، استاد رینوا!



?!



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

♪~



ممف~

smack

smack

عررر،
تیرخیدا ببخشیدا!

FLING

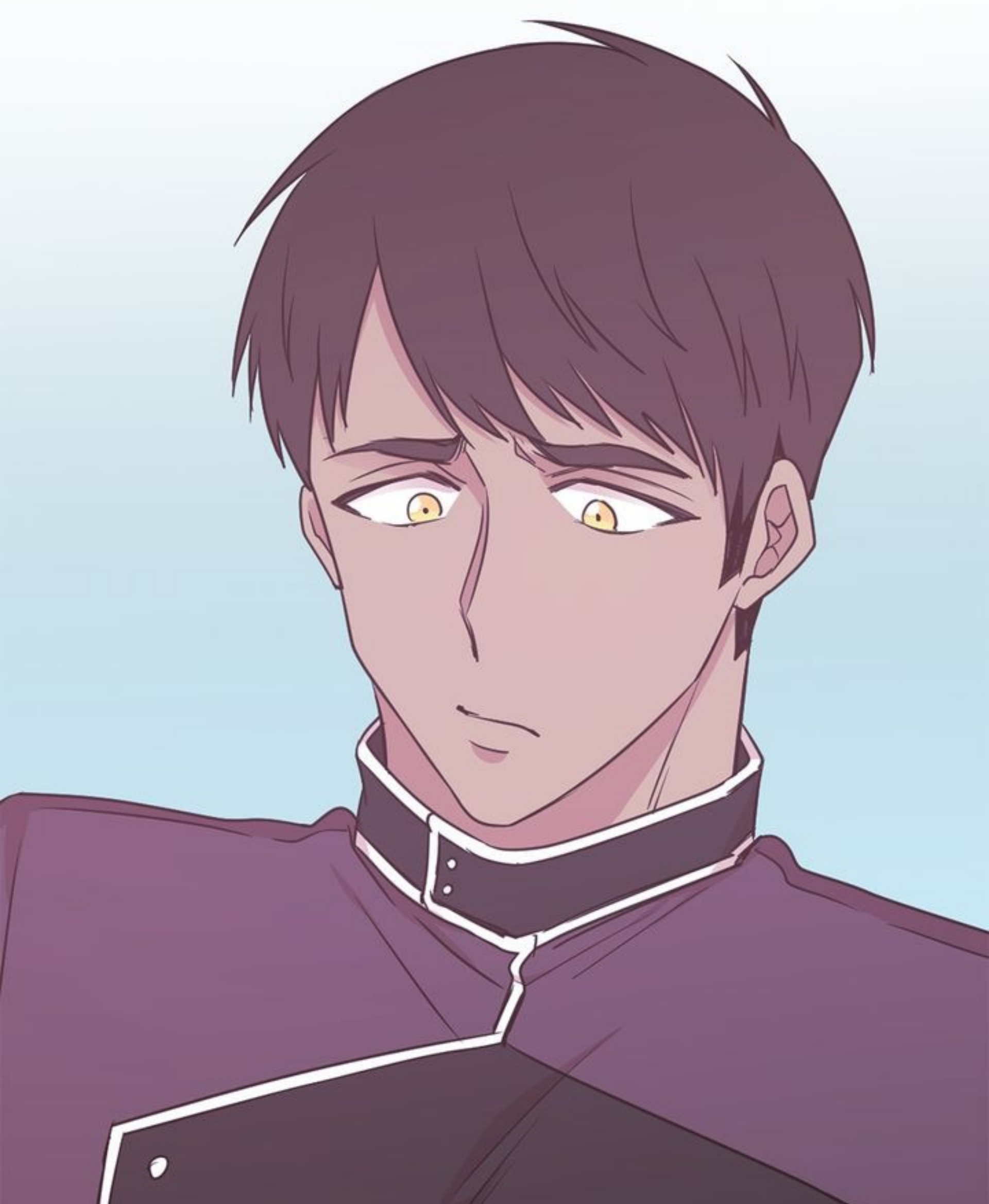
Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

pah



به هر حال،
این طوری شد که...

منو به جاسوس
امپراطور بودن متهم
کردن.



هر وقت که
امپراطور به قلعه
اومده...





... احساسات
منفی شوالیه‌ها نسبت
به تو بیشتر می‌شد،
استاد رینو.

ولی بعد یه مدت
نه چندان طولانی، غیب
شدنت و حمله امپراطور
همزمان رخ دادن،

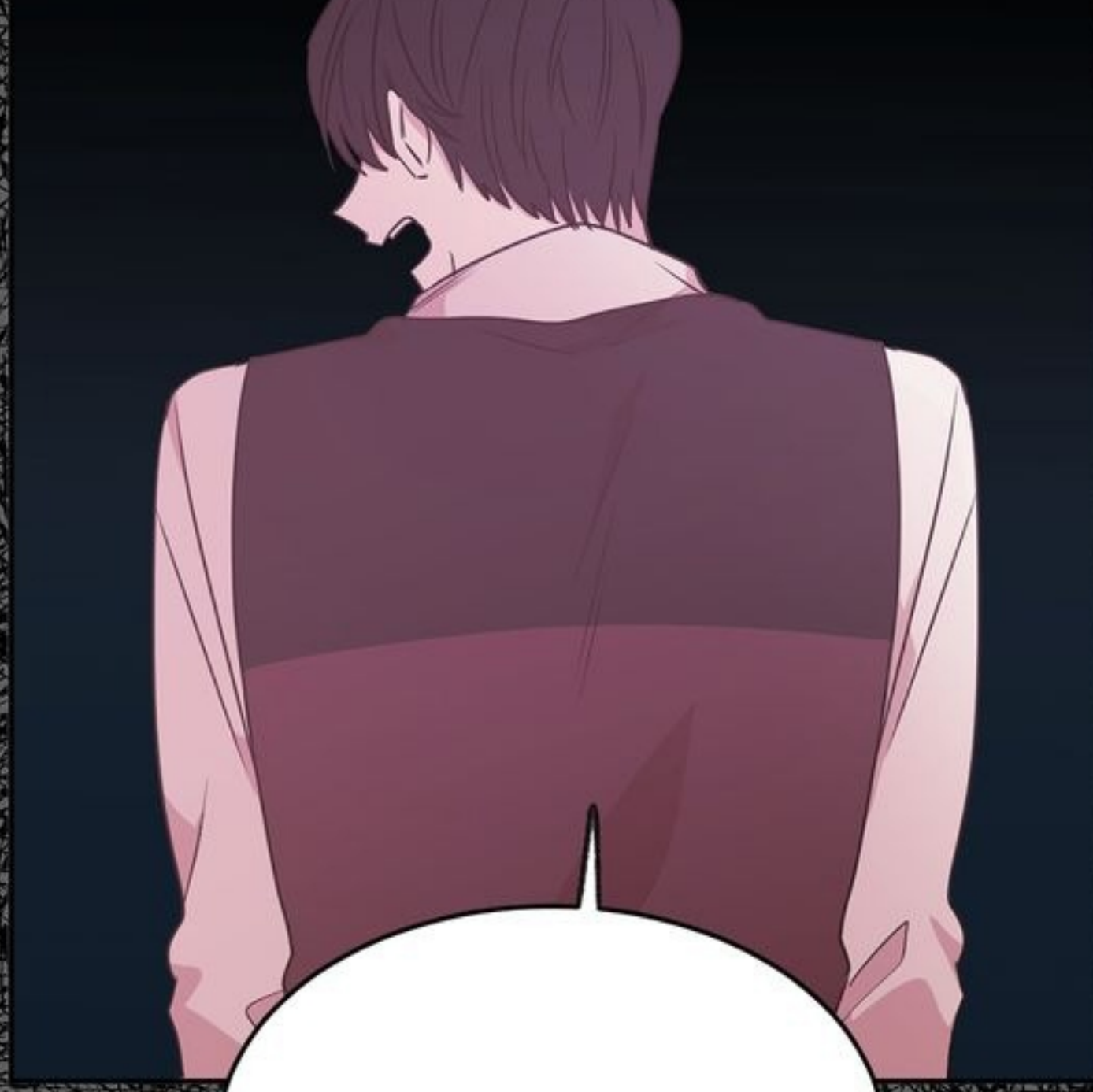
اون تکنسین
کثافت خنما جاسوس
امپراطور بوده!



با اطلاعات
قلعه‌مون فرار
کرده!

پس تو اولین نفری
بودی که همه بهش
مشکوک شدن.

اول، لرد ادوارد
اینو تکذیب کرد.



امکان نداره!



ولی خب،
همین طور که
سه سال می‌گذشت...





زمان توی این
دنیا متفاوت از دنیای
بیرون می‌گذره؟



... استاد رینو...

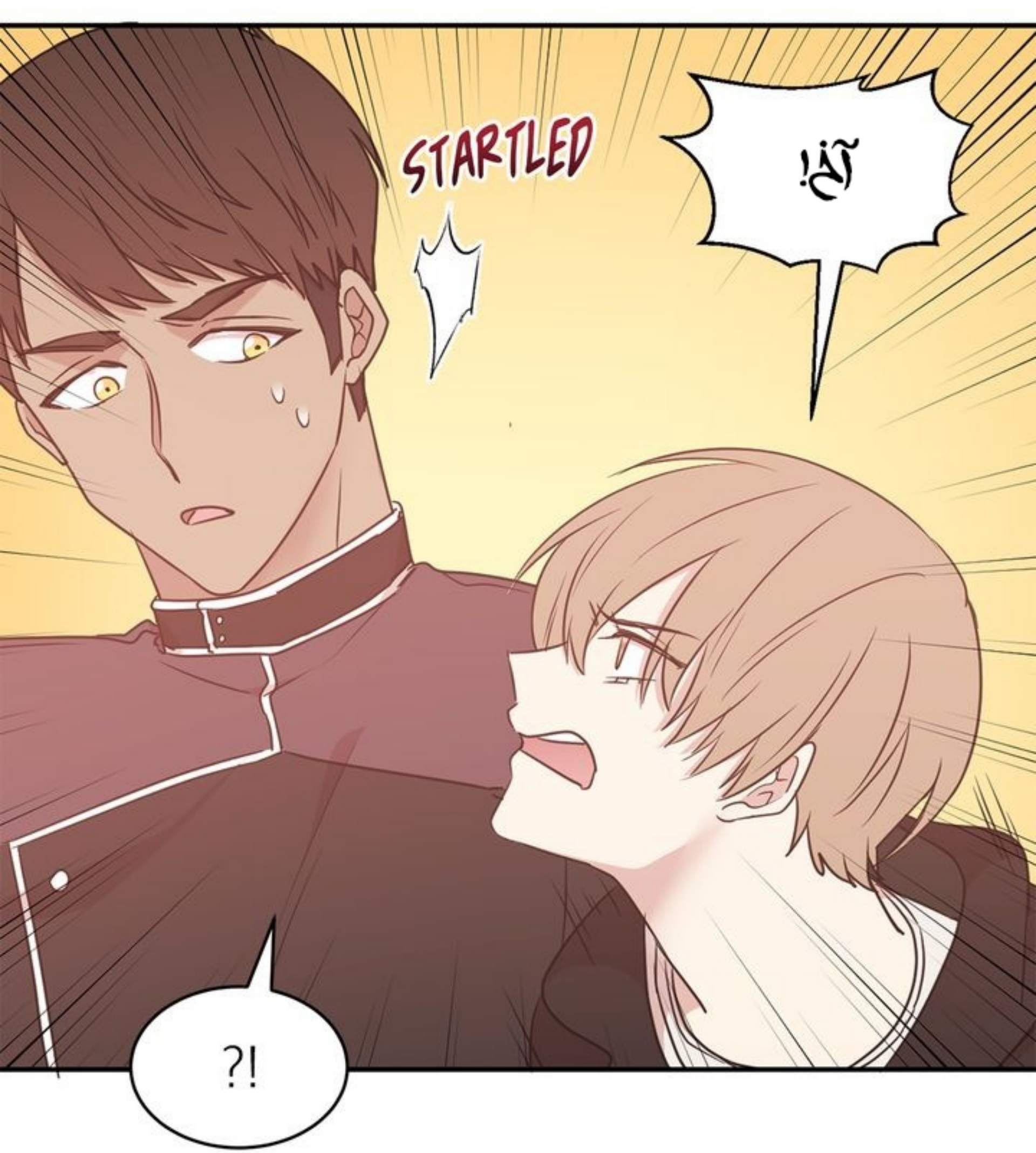
... توی این
سه سال کجا بودی؟



اصلا می دونی
من و لرد ادوارد
چی کشیدیم...



آه...



STARTLED

آه!

؟!



استاد رینو؟!



To Be Continued



©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

